



جایگاه تولید و صنعت در سیاست های کشور

هم اکنون بخش صنعت در اقتصاد کشور نقش مهمی در ایجاد ارزش افزوده و اشتغالزایی ایفا می کند. هر بخش از صنعت کشورمان با تنوع بالایی همراه است. حوزه صنعت به نسبت سایر بخش ها، از تنوع بالایی برخوردار بوده و سرمایه مورد نیاز برای تدوام فعالیت آنها نیز در اقتصاد وجود دارد. این در حالی است که بیشترین میزان آسیب پذیری تولید ملی نیز در این بخش از اقتصاد ملی مشاهده می شود. با توجه به اهمیت بخش صنعت در تولید و اشتغال کشور و همچنین جایگاه صنایع در افزایش توان مقاومت اقتصاد ملی، در سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی به گسترش و توسعه این بخش صنعت در زیربخش های مختلف، پرداخته شده است. در سال های اخیر، حوزه صنعت از شرایط داخلی و بین المللی حاکم بر اقتصاد کشور، آسیب های جدی دیده است. این امر موجب شده بیشتر صنایع کشور به رغم بالاتر بودن ظرفیت های نصب شده اما با کمتر از ظرفیت تولید به فعالیت مشغول باشند.

به هر ترتیب بسیاری از صاحب نظران، توسعه صنعتی را لازمه توسعه و رشد اقتصادی پایدار می دانند، از این رو به دلیل آثار چشمگیر بخش صنعت بر متغیرهای کلان اقتصادی از جمله تولید، مصرف، سرمایه گذاری، اشتغال، صادرات و به طور کلی نقش کلیدی صنعت در فرآیند توسعه ملی، ضروری است حمایت مؤثر و مناسبی برای افزایش قدرت رقابتی و ارتقای بهره وری این بخش و دستیابی به اهداف رشد اقتصادی به عمل آید. آمارهای کلان صنعت در کشور نشان می دهد وضعیت این بخش چندان مطلوب نیست و با توجه به اهداف بلندمدت تعیین شده در سند چشم انداز بیست ساله کشور یعنی افق ۱۴۰۴ و همچنین نیاز به طی مسیر توسعه صنعتی، شناسایی نیازهای حمایتی در بخش های مختلف صنعت کشور، به ویژه بخش تولید و اتخاذ سیاست هایی برای پیشبرد اهداف صنعتی در بلندمدت ضروری است. افزون بر این، عدم اثربخشی سیاست های حمایتی اعمال شده از سوی دولت طی سال های اخیر، محافظت از سرمایه های ملی را در اغلب بخش ها و حوزه ها با چالشی جدی مواجه کرده است.

ضعف سازوکارهای بازار مالی در تأمین مالی فعالیتهای صنعتی به منظور شکل گیری آنها در مقیاسهای اقتصادی، عدم اعمال سیاست های پولی و مالی مناسب و کارا برای توسعه بخش خصوصی و تشویق کارآفرینان در عرصه تولیدات صنعتی، خلأهای قانونی موجود در فرآیند تولید و سرمایه گذاری در حوزه های مختلف صنعت و عدم کارایی در فرآیند خصوصی سازی و مواردی از این دست بر عملکرد بخش صنعت تأثیر نامطلوبی داشته است که اهمیت شناسایی و رفع مشکلات و چالش های پیش روی توسعه صنعتی کشور و بازنگری نیازهای حمایتی این بخش را برای ارتقای تولید ملی بیش از پیش مهم کرده است.

طی چند سال گذشته شرایط اقتصادی پیش روی صنعتگران کشور به دلیل تحریم های ظالمانه غرب منجر به





یکسری محدودیت‌ها در تأمین مواد اولیه، نقل و انتقالات ارز، نوسانات شدید نرخ ارز و تورم و محدودیت در قیمت‌گذاری آزاد محصولات تولیدی در کنار عملکرد سودآور فعالیت‌های واسطه‌گری در اقتصاد ایران، تمایل عاملان اقتصادی را به فعالیت در بخشهای مولد کاهش داده و منجر به سوق سرمایه‌ها به سمت بازارهای دلالتی واسطه‌گری شده است. از طرفی، افزایش هزینه‌های سرمایه‌گذاری ناشی از محیط بی‌ثبات کسب‌وکار، حجم سرمایه‌گذاری‌ها را به ویژه در بخشهای مولد و از جمله صنعت کاهش و متعاقب آن میزان تولید و اشتغال را تحت تأثیر قرار داده است.

از این رو با توجه به جمیع شرایط حال حاضر، ضروری است برای دستیابی به اهداف تعریف شده در اقتصاد مقاومتی، بخش‌های مختلف اقتصادی کشور مورد ارزیابی قرار گیرند.

بخش صنعت و معدن یکی از مهم‌ترین بخش‌های اقتصادی و بزرگ‌ترین بخش مولد (در کنار بخش کشاورزی) کشور به شمار می‌رود، به‌طوری که این بخش، سهمی معادل ۱۷ درصد از تولید ناخالص داخلی کشور را به خود اختصاص داده است. همچنین این بخش با توجه به گستردگی فعالیت‌ها و تعدد مراکز تولیدی توانسته است ۶۳ درصد از اشتغال بخش مولد و ۳۳ درصد از اشتغال کل کشور را تأمین کند که با این موضوع نقش مهمی را در تولید و اشتغال کشور ایفا می‌کند. از این‌رو، این بخش به دلیل اهمیت و نقشی که در اقتصاد دارد، اصلی‌ترین حوزه به‌منظور تحقق اهداف در نظر گرفته شده برای سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی محسوب می‌شود، زیرا از کانال‌های متعددی زمینه‌های تحقق سیاست‌های یادشده را فراهم می‌سازد.

با توجه به اینکه بخش صنعت سهم قابل توجه و ظرفیت‌های بسیار بالایی در اقتصاد کشور دارد، اصلی‌ترین بخش اقتصاد برای دستیابی به رشد پویا و ارتقای شاخص‌های اقتصاد مقاومتی است، زیرا این حوزه در زنجیره اقتصادی کشور رابط بخش‌های دیگر دانسته می‌شود و رشد و رونق در این بخش به سایر بخش‌ها تسری می‌یابد. با توجه به اینکه هدف اصلی سیاست‌های اقتصاد مقاومتی تأمین رشد پویا و بهبود شاخص‌های اقتصادی است، این بخش نقش قابل توجهی در دستیابی به اهداف تعیین شده دارد.

با وجود ظرفیت‌های گسترده صنعت، این بخش اصلی‌ترین حوزه اقتصاد برای توسعه اقتصاد دانش‌بنیان و استفاده مناسب از ظرفیت‌های علمی و فنی موجود در کشور است. در حال حاضر که کشورهای جهان به خصوص اقتصادهای نوظهور در حال حرکت به سمت صنعتی شدن با استفاده از فناوری‌های جدید هستند، بخش صنعت می‌تواند با استفاده از دانش فنی و پیاده‌سازی اقتصاد دانش‌بنیان در کشور شرایط دستیابی به این هدف را فراهم سازد.

از سوی دیگر، حوزه صنعت می‌تواند با گسترش فعالیت‌ها و پرداخت بهتر مالیات به نظام اقتصادی کشور، در





کاهش وابستگی اقتصاد به درآمدهای نفتی نقش مهمی ایفا کند، چرا که این بخش از جنبه‌های مختلفی باعث رونق در تمام فعالیت‌های اقتصادی کشور خواهد شد که این موضوع موجب افزایش درآمدهای مالیاتی در تمام بخش‌های اقتصادی می‌شود. در نتیجه توجه و اهتمام بیشتر به بخش صنعت کشور در مجموع کاهش وابستگی اقتصاد به درآمدهای نفتی را که از اصلی‌ترین اهداف اقتصاد مقاومتی است، به دنبال خواهد داشت. به‌علاوه بخش صنعت با توجه به ظرفیت‌های قابل توجهی که در زمینه استفاده از دانش فنی موجود و افزایش تولید دارد، نه تنها می‌تواند بهره‌وری این بخش را در کوتاه‌مدت افزایش دهد، بلکه با فراهم‌سازی رونق در اقتصاد می‌تواند حرکت چرخ‌های تولیدی بخش‌های دیگر را بیش از پیش سرعت بخشد و بهره‌وری در آن بخش‌ها را نیز افزایش دهد. از آنجا که در سیاست‌های کلی ارایه شده برای اقتصاد مقاومتی توجه ویژه‌ای به بهره‌وری در اقتصاد شده است، بخش صنعت می‌تواند در دستیابی به اهداف این سیاست نقش درخور تأملی داشته باشد. یکی از بزرگ‌ترین مشکلات اقتصادی کشور وابستگی به خارج بوده و هست، به‌طوری که بخش بزرگی از تولید و مصرف کشور به واردات از کشورهای خارجی وابسته است. این موضوع البته در حالی است که بخش صنعت در اقتصاد ایران از ظرفیت‌های بالایی در تولید نیازهای داخلی برخوردار است که استفاده از آن وابستگی کشور را به دنیای خارج کاهش می‌دهد. از سوی دیگر، ساختار اقتصادی ایران به‌گونه‌ای شکل گرفته است که بخش اعظم آن به نفت و درآمدهای نفتی وابسته است. رشد و توسعه بخش صنعت با تکیه بر اقتصاد دانش‌بنیان و منابع داخلی بهترین راهکاری است که می‌تواند اقتصاد کشور را از وضعیت تک‌محصولی و آسیب‌پذیری در برابر تهدیدهای خارجی رها سازد. این مهم در سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی به‌خوبی در نظر گرفته شده و اهمیت بخش صنعت در فراهم‌سازی آن بیش از سایر بخش‌هاست. نسبت اقتصاد مقاومتی و تولید ملی، آشکارتر از آن است که نیاز به مقدمه مفصل داشته باشد و از مجموع اقدامات پیشنهادی ده گانه‌ی بیانات مقام معظم رهبری در حرم منور رضوی، چند نکته نخست بر این مدار می‌گردد. امر واقع آن است که برنامه‌ی اقتصاد مقاومتی را نمی‌توان مجموعه‌ی پروژه‌های منفک یا جزایر مستقل در نظر گرفت، تولید ملی با صفاتی مانند دانش بنیان بودن، عاری از فساد، درونزا و برونگرا، نخ تسبیح برنامه‌ی عزیمت به سوی یک اقتصاد مقاوم است و در دنباله‌ی خود نتایجی چون رونق اقتصاد و اشتغال، عدم وابستگی درآمد دولت به نفت، ارتقاء بهره‌وری، عدم وابستگی به واردات کالاهای اساسی و غیره را در پی دارد. در تجارب توسعه یافتگی کشورها، نمونه‌ای را سراغ نداریم که در بزنگاه تاریخی و شب قدر خود تصمیم بزرگی درباره‌ی تولید ملی نگرفته باشد. پیشرفت اقتصادی محصول خودبه خودی تعامل با جهان و آزادسازی‌های همه جانبه نیست، البته کشورهای کوچک و کم‌اهمیتی هستند که صرفاً با گشودن درب‌های خود به روی اقتصاد جهانی، از محل ورود سرمایه و کالاهای خارجی، رفاه نسبی برای ساکنان خویش فراهم کرده‌اند اما هیچ صاحب‌نظری آنها را مصادیق پیشرفت و الگوهای توسعه قلمداد نمی‌کند، بگذریم از اینکه تقریباً تمام این کشورها، هویت و استقلال سیاسی – اقتصادی خویش را به عنوان بهای رفاه وارداتی، از کف داده‌اند. بنابراین می‌توان گفت تمام الگوهای پیشرفت، ضمن بهره‌گیری از مزایای ارتباط با اقتصاد





جهانی، مبتنی بر خط مشی انتخابی خود، با در پیش گرفتن اقدامات خودآگاه و تصمیم بر محور تولید ملی، به موفقیت دست یافته‌اند. این تصمیم حداقل مشتمل بر یک بسته‌ی سیاستی چهار بعدی است:

۱. چگونه جذابیت و سودآوری تنها به بخش‌های مولد منحصر شود؟

۲. از چه رشته فعالیت‌های تولیدی حمایت مشروط شود؟

۳. از منتخب‌ها چگونه و به چه شیوه‌ی سالمی حمایت شود؟

۴. چگونه سایر سیاست‌ها با این حمایت سازگار شود؟

یک. مادامی که فعالان اقتصادی در دوگانه‌ی میان تولید - غیرتولید به سادگی غیرتولید را ترجیح دهند، سیاست‌های مشوق تولید و صادرات غیرنفتی و اشتغال راه به جایی نخواهد برد. اگر شیب زمین به سمت سفته بازی دارائی‌ها، واسطه‌گری، معاملات ربوی، واردات و قاچاق باشد، چنانچه سیل سرمایه نیز جاری شود، به سوی قطعه‌های پست زمین خواهد غلطید و چیز زیادی نصیب تولید نخواهد شد. اکنون به نحو قاطع می‌توان ادعا کرد هیچ اقتصاد پیشرفته‌ای وجود ندارد که کفهی توازن جذابیت در بخش‌های غیرمولد سنگین‌تر از بخش‌های مولد آن باشد. این جوامع در طول زمان نیز در مواجهه با بروز جذابیت‌های کاذب جدید، به تناسب، ابزارهای مالیاتی و غیرمالیاتی نوینی برای کاستن از سودآوری گزینه‌های غیرمولد ابداع می‌کنند و هرگاه که در این مقابله مستمر کوتاهی کردند، ثمرات فاجعه بار آن را دیده‌اند، یکی از تبیین‌های مربوط به بحران سال ۲۰۰۸ میلادی، به عدم طراحی ابزارهای کنترلی برای نوآوری‌های مضر مالی اشاره دارد. سیاستگذاران اقتصاد ایران در دوره‌های پیشین به نحو جدی برنامه‌ای برای منحصراً ساختن سودآوری به بخش‌های مولد در دستورکار قرار نداده‌اند و اکنون که در آستانه‌ی حرکت جدیدی در اقتصاد ایران قرار داریم، آزموده را دوباره نباید آموخت و سرمایه‌های جدید را مجدد نباید به جوی سودآوری غیرمولدها روانه ساخت.

دو. انتخاب و تمرکز، یک اصل پایه‌ای در پیشرفت جوامع به‌شمار می‌رود: منابع و امکانات یک کشور اجازه نمی‌دهد که از تمام فعالیت‌ها، هرچند مولد، حمایت ویژه صورت گیرد، حمایت‌ها باید متکی بر شناسایی مزیت‌های حال و آتی یک اقتصاد باشد، ثمره حمایت‌ها باید نفوذ محصولات خاص ایرانی در بازارهای بین‌المللی باشد، شرط حمایت هم محقق شدن این نفوذ در خارج است که نشانه‌ی خروج از نوزادی به بلوغ یک صنعت است، مثلاً اگر پس از ۱۰ سال از آغاز حمایت، محصولات نتوانستند در بازار خارج رقابت کنند، به‌معنای توقف تمام حمایت‌ها خواهد بود. تنها استثناء از این شروط، حمایت از بخش‌های مورد نیاز برای استقلال اقتصادی است مانند امنیت غذا و دارو. البته این به‌معنای ممنوعیت تولید دیگر کالاها و خدمات نیست، محیط کسب و





کار برای تمام فعالان بخش مولد اقتصاد، ساده، سالم و کم هزینه خواهد بود اما حمایت خاص دولت، تنها نصیب تعداد انگشت شماری از رشته فعالیتها می شود. کشورهایی که ناتوان از انتخاب و تمرکز باشند، دریایی گسترده از تولیدات ضعیف و غیرقابل رقابت خواهند داشت که به محض باز شدن دربهای واردات، تمام آنها زمین بازی را به حریف واگذار می کنند. در اقتصاد ایران تاحال چندبار اسنادی درباره ی صنایع منتخب و استراتژی صنعتی، منتشر شده است اما یا به نتایج گمراه کننده ای رسیده یا با تغییر دولت ها، سندها و انتخابها مورد تجدیدنظر قرار گرفته و استمرار نیافته است. اندوهبارتر این که حتی در مواردی که به جهت شدت وضوح، وفاق بر سر حمایت موثر از آنها وجود داشت مانند امنیت غذا و چند قلم اساسی کشاورزی، همچنان درصد قابل توجهی از نیاز کشور به جای تولید داخل، از مبادی وارداتی تأمین می شود و به جهت عدم تنوع مبادی، همواره در معرض آسیب پذیری بوده است.

سه. اگر ارکان نظام در خصوص رشته فعالیت های مورد حمایت، به اجماع بلندمدت رسیدند، کار به اتمام نرسیده است. حمایت اساسا به معنای ایجاد شرایط ویژه (شبه رانتی) برای برخی بخش هاست و هر روش حمایت، منافع و هزینه هایی در پی دارد. اعطای زمین، ارز ترجیحی و وام از محل بانک ها یا صندوق توسعه بهترین و سالم ترین شیوه ی حمایت نیست و تنها صف متقاضیان واقعی و دروغین را طولانی تر می سازد. ضمن آنکه به کارگیری منابع هزینه شده در محل های مدنظر نیز همواره با شک و تردید همراه بوده است. در تجربه ی تاریخی شاید سهل الوصول ترین و رایج ترین راه برای دولت ها در توسعه ی صنایع عبارت بودند از: سرمایه گذاری مستقیم دولت برای ایجاد مجموعه های صنعتی یا اعطای منابع مالی به وابستگان دولت یا حاکمیت برای تأسیس آن مجموعه ها. شاید در مراحل نخست پیشرفت، دولت ها ناچار به ایفای نقش های مستقیم بیشتری بودند، لکن استمرار توسعه ی صنعتی تنها با نهادینه شدن توان تولید در بدنه ی بخش خصوصی غیروابسته، همچنین توانمندسازی، بازسازی و تنظیم گری اثربخش دولت میسر خواهد شد.

در نگاه بلندمدت واحدهای صنعتی ما بیش از آنکه از فقدان منابع مالی و سرمایه در گردش آسیب دیده باشند، از مکان یابی های غلط، مقیاس غیر به صرفه، روشن نبودن تکلیف زنجیره ارزش، فقدان روابط خوشه ای، روشن نبودن قیمت های کلیدی و سیاست های کلیدی در آینده، توانمند نبودن در وصول به بازارهای داخل و خارج، تأمین مالی غیر تخصصی، پرهزینه بودن و فساد و دشواری محیط سرمایه گذاری ضربه خورده اند. شیوه ی کارآمد حمایت، گشودن این گره هاست.

چهار. بخش اعظم آنچه گفته شد به لسان تخصصی در حوزه ی سیاست صنعتی (به معنای عام شامل رشته فعالیت های مولد: کشاورزی، صنعت، انرژی و خدمات) می گنجد. سیاست صنعتی، نقطه اتصال و هماهنگی بخش زیادی از سیاست های اقتصادی محسوب می شود و تنها اگر ارکستر سیاست های اقتصادی منظم و مکمل یکدیگر





باشند می‌توان انتظار داشت که نغمه‌ی گوش‌نواز تولید ملی به گوش برسد. بنا بر یک تقسیم‌بندی سیاست صنعتی دربردارنده‌ی چهار جزء است و تنها با داشتن پاسخ‌های ۱۰ گانه زیر است که می‌توان ادعا کرد دولت سیاست صنعتی قابل ارائه و ارزیابی در دست دارد:

خط مشی صنعتی که شامل پاسخ به چهار مسأله است: به لحاظ افقی، فضای حقوقی کسب و کار چگونه بهبود می‌یابد؟ به لحاظ عمودی، اولویت‌دهی به صنایع هدف چگونه صورت می‌گیرد؟ به لحاظ کارکردی، هماهنگ‌سازی بخش‌ها، وضعیت بازار و تمرکز زدایی چگونه محقق خواهد شد؟ به لحاظ آمیشی، توزیع جغرافیایی بهینه هر دسته از صنایع هدف و ارتباط خوشه‌ها چگونه خواهد بود؟

خط مشی مالی که شامل پاسخ به چهار مسأله است: به لحاظ مالیاتی، نرخ‌های مالیات و سیاست‌های یارانه‌ای مربوط به صنایع هدف چگونه خواهد بود؟ به لحاظ اعتباری، نرخ‌های سود تسهیلات و دیگر نیازهای تأمین مالی این صنایع چه صورتی خواهد داشت؟ به لحاظ قیمتی، قیمت نهاده‌ها و همچنین ستاده‌های صنایع هدف در حال و آینده از چه منطقی پیروی می‌کند؟ به لحاظ ارزی، چشم‌انداز رژیم ارزی و نرخ ارز چگونه خواهد بود؟

خط مشی تجاری: سیاست تجاری و تعرفه‌ای صنایع هدف در آینده چه خواهد بود؟

خط مشی فناوری: مسأله انتقال، جذب و بومی‌سازی فناوری و سپس حرکت به سمت ابداع چه در صنایع هدف و چه در خصوص فناوری‌های بنیادین چه مسیری طی خواهد کرد؟

اقتصاد ملی اگر بخواهد نه متکی بر عصای چوبین و عاریتی درآمد نفت، بلکه متکی بر پای تنومند خویش بایستد، چاره‌ای جز عزم جزم برای تقویت تولید ملی ندارد. چنانکه گفته شد لازمه‌ی عمل به این عبارت کوتاه، منحصر ساختن جذابیت اقتصادی به بخش‌های مولد، اجماع میان و بلندمدت بر انتخاب رشته فعالیت‌هایی که باید حمایت شوند (به نحو مشروط)، برگزیدن راه‌های بهینه حمایت از صنایع منتخب، سالم‌سازی و تسهیل محیط کسب و کار برای عموم فعالیت‌های مولد و در نهایت هم آهنگ ساختن سایر سیاست‌های اقتصادی با این هدف‌گذاری است.

منبع: <https://donya-e-eqtasad.com>

<https://basirat.ir>





مرکز جامع سلولهای بنیادی و پزشکی بازساختی کرمان



پست الکترونیک : info.CRCC@kmu.ac.ir



فاکس : ۰۳۴-۳۱۲۱۵۶۸۲



تلفن مرکز : ۰۳۴-۳۱۲۱۵۶۸۳



کدپستی : ۷۶۱۸۷۴۷۶۵۳



آدرس : کرمان، بلوار جمهوری اسلامی، چهارراه شفا، جنب معاونت درمان، مرکز جامع سلولهای بنیادی و پزشکی بازساختی (CRCC)